

پژوهش‌نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۵ ♦ پاییز ۱۳۹۳

صفحات: ۲۷-۴۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۱۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۸/۲۰



جهاد و اندیشه سید قطب

محمد رضا باغبانزاده *

چکیده

سید قطب از رهبران جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر بود که اندیشه‌هایش موجی از تنفر شدید نسبت به فرهنگ غرب را دامن زد. وی جهاد را در براندازی حکومت‌هایی که به قوانین الهی‌وقعی نمی‌نهند ضروری می‌دانست. لذا ضمن استفاده از مشروعیت جهاد نظامی، تمام تلاش خود را در ساختن جامعه‌ای بر اساس شریعت اسلامی مصروف داشت و با عضویت در جماعت اخوان المسلمین و با تأثیرگذاری بر آن گروه، توانست لقب «پدر جنبش‌های افراطی مسلمانان در سراسر جهان» را از آن خود کند و بر گروه‌های رادیکال جهادی تأثیر فراوانی بگذارد. در این پژوهش می‌کوشیم دیدگاه سید قطب را درباره ماهیت جهاد، ضرورت جهاد، ابزار جهاد، و ارتباط میان جهاد و نظام اسلامی بکاویم.

کلیدواژه‌ها: سید قطب، جهاد، گروه‌های جهادی، اسلام رادیکالی، جامعه اسلامی.

مقدمه

افکار و اندیشه‌های سید قطب با تأثیرگذاری بر جنبش‌های اسلامی مصر و دیگر کشورهای اسلامی، وی را به یکی از شخصیت‌های مشهور معاصر تبدیل کرده که سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی را تحریک می‌کرده است. توجه ویژه سید قطب به جهاد و به دنبال آن به وجود آمدن سازمان‌هایی چون «الجهاد» و نیز گروه‌های رادیکال اسلامی مانند «القاعده» نشان‌دهنده نفوذ اندیشه‌های سید قطب است.

وی با تقسیم‌بندی جامعه به دو گروه خوب و بد^۱ در صدد است جامعه جاهلی را در آثار خود تبیین کند. او بعد از ابوالاعلی مودودی، دومین شخصیتی است که واژه «جهاد» را وارد ادبیات سیاسی معاصر کرد،^۲ و غرب را استعمارگر و دشمن اصلی مسلمانان خواند. وی معتقد بود هر جامعه‌ای که اسلامی نباشد، جاهلی است و راه برون‌رفت از این جهالت، و بازگشت به حکومت الله در زمین، جهاد است. این جهاد است که راه‌های نامساعد به سمت ترقی اسلامی را هموار می‌کند و به مسلمانان و جامعه اسلامی عزت و افتخار می‌بخشد. بنابراین، بر مسلمانان واجب است که هرگز از جهاد غفلت نکنند.^۳ سید قطب برای اعتلابخشی به واژه «جهاد» از هیچ کوششی دریغ نکرد و ضمن توجه به نگارش افکار خود در قالب کتاب‌هایی همچون معالم الدین، خصائص التصور الاسلامی، المستقبل لهذا الدین، و فی ظلال القرآن به ترویج جنبش رادیکالی بین طرفدارانش پرداخت و در این میان از فعالیت‌های سیاسی غافل نبود تا اینکه در این راه جان خود را از دست داد و اعدام شد.

جامعه از دیدگاه سید قطب

برای بررسی مفهوم دقیق «جهاد» از دیدگاه سید قطب، ناگزیریم بدانیم از نگاه سید، جامعه‌ای که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند چگونه ترسیم شده است؟ زیرا نوع برداشت

۱. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۵.

۲. همو، اسلام و صلح جهانی، ص ۲۱۸.

۳. همو، ما چه می‌گوییم، ص ۳۹.

خاص از محیط پیرامون، می‌تواند نقش بسزایی در شکل دادن عقیده انسان داشته باشد. به ویژه مسئله جهاد، که ارتباط مستقیمی با نقش فرد در جامعه و نیز نوع تعامل و برخورد او با دیگران دارد. سید قطب با تأسی به مودودی^۱ جامعه را به دو دسته اسلامی و جاهلی تقسیم می‌کند و معتقد است اسلامی که دشمنان معرفی می‌کنند با اسلامی که رسول گرامی ﷺ بر آن اصرار می‌ورزید، تفاوت دارد. وی در این باره می‌نویسد:

امروز در جاهلیتی به سر می‌بریم که هنگام ظهور اسلام وجود داشت و بلکه تاریک‌تر از آن. تمامی آنچه در اطراف ماست، جاهلی است. وظیفه ما این است که تحولی در درون خود به وجود آوریم تا بر اساس آن جامعه را بتوانیم دگرگون کنیم. اسلام بیش از دو جامعه نمی‌شناسد؛ جامعه جاهلی و جامعه اسلامی. جامعه اسلامی جامعه‌ای است که در تمامی ابعاد، عقیده و عبادت، شریعت و احکام، سلوک و اخلاق اسلامی در آن تحقق یافته است؛ و جامعه جاهلی جامعه‌ای است که به اسلام عمل نمی‌کند؛ جامعه جاهلی به جامعه‌ای غیر از جامعه مسلمانان اطلاق می‌شود که روح عبودیت در آن وجود ندارد؛ جوامع دوگانه‌پرست، یهودی و نصرانی در زمره جوامع جاهلی محسوب می‌شود.^۲

وی معتقد بود امروزه جامعه در حالتی به سر می‌برد که حیات و سازمان آن بر اساس جاهلیت پی‌ریزی شده است و پیشرفت‌های مادی شگرف چیزی از این جاهلیت نمی‌کاهد. این جاهلیت بر پایه‌های دشمنی با سلطنت خدا بر زمین و به خصوص الوهیت و حاکمیت او مبتنی است. تا جایی که عده‌ای را ارباب عده‌ای دیگر قرار داده است؛ نه به آن صورت ابتدایی که در جاهلیت اولی سراغ داریم؛ بلکه جاهلیت کنونی در چارچوب ارزش‌ها، شرایع و قوانین و سازمان‌ها بروز کرده است تا منهج الهی در زندگی انسان‌ها را تحت الشعاع قرار دهد.^۳

به نظر وی، این دو جهان، یعنی جهان جاهلیت و اسلام، کاملاً با هم ناسازگارند و هیچ هم‌زیستی و توافقی بین آنها وجود ندارد. حقیقت یکی است و قابل تقسیم نیست و همه چیز غیر آن، نادرست و الزاماً غلط است و ترکیب حقیقت با باطل امکان‌پذیر نیست.

۱. ابوالاعلی مودودی، المصطلحات الاربعه فی القرآن، ص ۱۰۷.

۲. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۱۱۶؛ همو، معرکتنا مع اليهود، ص ۵۶.

۳. همو، معالم فی الطريق، ص ۵.

اسلام به معنای اطاعت و تسلیم کامل در برابر خدا و احکام اوست؛ در حالی که نظام جاهلی از پرستش خدای یگانه و راه و روش الهی برای زندگی روی گردان است.^۱

قطب اهتمام جدی به خطر یهود و سیطره صهیونیست‌ها بر تمام جهان داشت و به ملت‌های دنیا، به ویژه مسلمانان، در خصوص این خطر هشدار می‌داد. وی معتقد بود حرکت صهیونیستی به انحطاط و عقب‌گرد مسلمانان منجر می‌شود، و می‌افزود که تصادفی نیست که بسیاری از مستشرقان و کارشناسان فن و فارغ‌التحصیلان و نویسندگان یا یهودی‌اند یا متأثر از یهود، و یا اینکه یهودی بودن خود را کتمان می‌کنند.^۲

سید قطب معتقد بود در آغاز جامعه اسلامی در سایه قرآن به راه مستقیم خود ادامه می‌داده است تا اینکه بلای خردکننده و کمرشکن، یعنی کنار زدن اسلام از امر رهبری، به وقوع پیوست. پیشوایی را از دست اسلام ربودند تا جهالت بار دیگر در شکلی از اشکال گوناگون بر بشریت فرمانروایی کند. این، اندیشه مادی‌گرایی است که بشریت امروزه بدان سرگرم و شادمان است.^۳ قطب جامعه کمونیستی، که خدا در آن انکار می‌شود و ارزش انسان تا حد حیوان تنزل می‌یابد، و نیز کشورهای بت‌پرست همانند ژاپن، فیلیپین، هندوستان، و آفریقا را که به خدایی غیر از الله اعتقاد دارند و همه جوامع یهودی و مسیحی را در زمره جوامع جاهلی محسوب می‌کند.^۴ هرچند مودودی^۵ از جمله کسانی بود که واژه «جاهلیت» را وارد دنیای معاصر کرد و جوامع غربی و کمونیستی را جامعه جاهلی خواند، اما، هرگز آن را به جامعه اسلامی تسری نداد؛ در حالی که قطب حتی کشورهای اسلامی را که در آن سکولاریسم حاکم بوده و مردم فقط با زبان به خدا اقرار می‌کنند و قوانین خودساخته را به اسم شریعت خداوند ارائه می‌دهند، جامعه جاهلی به حساب می‌آورد؛ از این‌رو قطب، فقط اسلام را عامل نجات‌بخش و راه برون‌رفت از

۱. سید قطب، ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، ص ۱۳۰.

۲. سید قطب، مقومات التصور الاسلامی، ص ۲۹۸.

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ص ۱۶.

۴. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۵۴.

۵. ابوالاعلی مودودی، المصطلحات الاربعه فی القرآن، ص ۱۰۷.

مشکلات می‌دانست و اطاعت از فرامین آن را به عنوان یک عقیده جهانی برای آحاد بشر ضروری می‌شمرد. وی در این باره می‌گوید:

اگر می‌خواهیم اسلام عامل نجات باشد باید حکومت کند و باید فهمید که این دین نیامده است تا در معابد گوشه‌نشین شود، نیامده است تا درون دل‌ها لانه بگیرد؛ بلکه آمده است حکومت کرده و زندگی را به وضع شایسته‌ای اداره کند، آمده است تا اجتماعی مترقی، کامل و مطابق با اسلوبی که خود در باب زندگی دارد بسازد. اگر بخواهیم اسلام در برابر مشکلات اجتماعی و قومی و دیگر مشکلات مقاومت کند و دردهای ما را درمان کند و برای علاج آنها راه چاره نشان دهد، باید با حکومت و تشکیلات حکومتی‌اش افکار و مقررات خود را به مرحله اجرا درآورد.... من با ایمان کامل معتقدم تنها راه نجات ما مسلمان‌ها از گرفتاری‌ها، بازگشت به سوی یک عقیده محکم و بزرگ است؛ عقیده‌ای که این پستی و بی‌ارزشی را از دامن ملل اسلامی فرو ریزد و زندگی این امت را از حرکت و فعالیت و روح پیشرفت پر سازد؛ این عقیده محکم و پرمایه برای کشور ما و ممالک مشابه آن فقط اسلام است.^۱

در این میان او عقیده نداشت که دین فقط برای آزادسازی اعراب باشد و رسالت نبی ﷺ منحصر در نجات عرب‌ها؛ زیرا، موضوع دین، انسان و نوع انسان و جایگاه او در زمین است؛ چون، خداوند فقط پروردگار عرب‌ها و حتی کسانی که به اسلام گرویده‌اند نیست، او رب العالمین است و این دین، در صدد است جهانیان را به سوی خداوند سوق دهد و آنها را از عبودیت دیگران، به عبارتی عبودیت بزرگ، یعنی سر فرود آوردن در مقابل قوانین بشری که غیرالهی هستند، باز دارد. عبادت واقعی یعنی اقرار به اینکه جز خدا کسی نیست؛ هر کس به غیر خدا توجه کند از دین خارج شده است.^۲

بنا بر دیدگاه سید قطب، حل همه مشکلات رجوع به شریعت و عمل به فرامین الهی است و شرط اساسی تحقق آن در گرو حکومت و متکی به حاکمیت است. هرچند مسلمانان به فرایض عمل می‌کنند ولی تا حکومت به وجود نیاید آنها در جامعه جاهلیت به سر می‌برند و نمی‌توانند خود را مسلمان بدانند؛ زیرا فقه اسلامی و اجتهاد فقط در سایه

۱. سید قطب، مقابله اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربّ، ص ۵۳.

۲. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۳۸.

حکومت اسلامی قابلیت اجرا پیدا می‌کند و مشروعیت می‌یابد و حکومت از طریق جهاد به دست می‌آید.^۱

بنابراین، کسب قدرت و سلطه سیاسی از اهم تکالیف مسلمانان محسوب می‌شود. تا زمانی که جامعه اسلامی برای رویارویی با جامعه جاهلی قدرت کافی به دست نیاورد، نمی‌تواند تشکیل شود یا ادامه حیات دهد. این قدرت باید در همه سطوح باشد: قدرت اعتقاد و تصور، قدرت آماده‌سازی و حفظ جامعه و همچنین قدرت فیزیکی در حد نیاز، حداقل برای حفظ خود در برابر یورش جامعه جاهلی، حال نه لزوماً برای سلطه بر آن.^۲ به نظر می‌رسد استفاده قطب از واژه «جاهلیت» در مورد جوامع مسلمان نوعی بدعت است؛ زیرا، این اصطلاح به طور سنتی به گمراهی بشریت پیش از ظهور اسلام اطلاق می‌شود؛ در حالی که قطب با توسعه کاربرد جاهلیت، تمام جوامع با حکومت‌های غیراسلامی را جاهلی می‌نامد و نتیجه می‌گیرد که مسلمانانی که در این گونه جوامع زندگی می‌کنند، شرعاً موظف‌اند با دولت حاکم مبارزه کنند.

جهاد از دیدگاه سید قطب

سید قطب با تقسیم جامعه به دو اردوگاه اسلام و کفر، در صدد است راه برون‌رفت از جامعه جاهلی به جامعه الهی را ترسیم کند؛ از این رو، معتقد است اسلام نظریه جهاد را به عنوان یک عقیده، در آخرین شکل خود ارائه کرده است؛ زیرا برنامه اسلام بر این مبتنی شده است که انسان‌ها در سایه تعلیمات آن، به سوی خیر و نیکی رهنمون شوند. وی از این برنامه به عنوان هدف هستی و هدف وجود انسانی یاد می‌کند و اذعان دارد که اسلام، از جمله نعمات خدادادی است که هیچ یک از نعمت‌های دیگر با آن برابری نمی‌کند. سید بر این عقیده اصرار داشت که اگر کسی در برابر این برنامه متعالی مانعی ایجاد کند و سعی

۱. سید قطب، فاجعه تمدن و رسالت اسلام، ص ۲۳۴.

۲. همان، ص ۲۳۵.

در به انحراف کشاندن آن داشته باشد، وظیفه اردوی اسلام، چیزی جز جهاد نیست. او در این باره می‌نویسد:

مؤمنان باید با تمام نیرو به نبرد متجاوزان به حقوق اسلامی و انسانی برخیزند و آنان را سر جای خویش بنشانند و مکر و کید و اذیت و آزارشان را از سر مؤمنان دور بدارند. ستمگران را گوش‌مالی دهند تا حریت عقیده را تضمین، و امنیت کسانی را که خداوند به راه خود رهنمودشان فرموده تأمین کنند، و برنامه خدا در زندگی پابرجای بماند، و از بشریت حمایت شود تا از آن نیکی و خیر همگانی محروم و بی‌نصیب نشود.^۱

وی در ادامه ضمن تأکید بر جهاد، آن را چون امر واجبی بر امت اسلامی ضروری دانسته، می‌گوید:

واجب دیگری بر جماعت اسلامی لازم می‌آید، و آن اینکه هر گونه نیرویی را باید در هم شکنند که سر راه دعوت آیین اسلام را می‌گیرد و مانع رساندن آزادانه آن به مردم می‌گردد، یا آزادی پذیرش عقیده را تهدید می‌کند و مردم را از آیین مبارکی که پذیرفته‌اند برمی‌گرداند و یا اینکه جماعت اسلامی پیوسته باید در تلاش و جهاد باشند تا برگشت دادن مؤمنان به خدا از آیینشان برای هر نیرویی در سراسر کره زمین غیرممکن شود، به گونه‌ای که در پرتو شکوه و عظمت گروه مؤمنان، هر کس که بخواهد به دایره اسلام درآید و آیین درخشان اسلام را بپذیرد از چیزی باک نداشته باشد، و از نیرویی در زمین بیم و هراس به خود راه ندهد، از اینکه او را از دینش برگرداند، و دین از آن خداست.^۲

پرسشی که در اینجا ذهن تحلیل‌گر افکار سید قطب را به خود مشغول می‌کند این است که اساساً بر طبق چه مبنایی قطب اصرار بر مقوله جهاد در رویارویی با مظاهر کفر دارد. قطب با اشاره به آیات جهاد و حدیث احادیث وارده از نبی مکرم اسلام ﷺ و نیز حدیث وقایع جهادی صدر اسلام و گذشت تاریخ به پاسخ این پرسش پرداخته، معتقد است با موارد ذکرشده دیگر مجالی برای منکران جهاد و هجمات مستشرقان مکار علیه جهاد اسلامی نمی‌ماند. وی با اشاره به آیه قرآن کریم ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْئِمَّهُمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۷.

لَهُدْمَتْ صَوَامِعُ وَبُيعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا^۱ بر این باور پافشاری می‌کند که شأنیت اصیل و دائمی در طبیعت این زندگی، مقابله بعضی از مردم با بعضی دیگر، به منظور از بین بردن فساد در زمین است. این شأنیت باعث می‌شود حق و باطل با هم زندگی نکنند.^۲

آنچه در نقد افکار سید قطب مهم است، استناد وی به سنت رسول خدا ﷺ و جنگ‌های آن حضرت با مشرکان، در تحریم هر گونه جنگ دفاعی است؛ در حالی که به گواهی تاریخ تمام جنگ‌های پیامبر ﷺ، دفاعی بوده است و حضرت از جهاد ابتدایی پرهیز می‌کردند و در هیچ پیکاری آغازگر جنگ نبودند.^۳ با مراجعه به تاریخ می‌بینیم که جنگ‌های پیامبر ﷺ یا به منظور پاسخ به تجاوزها و رفتارهای مشرکان بوده است یا برای تنبیه افراد ستمگری که میثاق شکستند و مسلمانان را کشتند، و یا در صدد حمله به مسلمانان بودند.^۴ بنابراین، صرف توجه به جنگ‌های رخ داده بدون توجه به علل آن، کار بایسته‌ای نیست.

هدف جهاد از دیدگاه سید قطب

با مطالعه آثار سید قطب، جهاد اصلی‌ترین ابزار تبدیل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی محسوب می‌شود. اما در این رهگذر، وی برای جهاد اهداف دیگری نیز برمی‌شمرد که نشان از دقت نظر این متفکر و نظریه‌پرداز دینی به مقوله جهاد دارد. اهم اهداف جهاد از منظر وی را می‌توان ذیل تفسیر آیه «الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كَبِّ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»^۵

۱. سوره حج (۲۲)، آیه ۳۹-۴۰.

۲. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۴۱.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۱۵؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۴. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ص ۴۶۵.

۵. سوره نساء (۴)، آیه ۷۷.

چنین برشمرد: رهایی از محاصره قید و بندها، امان ماندن از فتنه‌ها و آشوب‌ها، حمایت از شریعت، برافراشتن پرچم عقیده در زمین، ایجاد وحشت در دشمنان، آماده‌سازی جامعه برای پذیرش اسلام بدون هیچ‌گونه مانعی.

از نظر سید قطب، در صورت تحقق اهداف ذکرشده، این همان جهاد یگانه‌ای است که اسلام بدان فرمان می‌دهد و پسندیده می‌شمارد و در مقابل آن اجر و پاداش می‌دهد، و کسانی را که در آن کشته می‌شوند، شهید می‌داند، و کسانی را که رنج و مشقت آن را تحمل می‌کنند، ولی و دوست می‌شمارد.^۱

سپس سید در تفسیر آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا عَمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۲ تمام اهداف یادشده را در یک هدف کلی خلاصه می‌کند و به این نکته قائل می‌شود که هدف از جهاد، استقرار الوهیت خداوند یگانه و ربوبیت او بر همه جهانیان است.^۳

قطب، جهاد را تنها راه دفاع از عقیده می‌داند، به گونه‌ای که عقاید از فتنه‌ها و آشوب‌ها حفظ شود و شریعت انسان‌ها از طریق جهاد محفوظ بماند. به نظر سید قطب، هدف جهاد در اهتزاز نگه داشتن پرچم عقیده در زمین است و آن جز با عقب نشان دادن دشمنان به دست نمی‌آید.^۴ از سوی دیگر، قطب معتقد است اسلام فقط در عقیده خلاصه نمی‌شود؛ بلکه، تلاش اسلام بر آزادسازی انسان‌ها از عبودیت بندگان است. وی سازمان‌ها و حکومت‌هایی را که بر اساس حاکمیت بشر برای بشر بنا شده است هدف قرار داده، بر آزادی انسان و اختیار عقیده با مردود دانستن هر گونه فشارهای سیاسی پافشاری می‌کند و می‌افزاید: «دین فراتر از عقیده است و بر شیوه و سیستمی اطلاق می‌شود که بر زندگی و حیات حاکمیت دارد».^۵ او معتقد است قبل از اسلام، هر دین الهی کوشیده است

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. سوره انفال (۸)، آیه ۳۹.

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۳۲۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۸۷.

۵. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۳۹.

انسان را به ربوبیت خدای یگانه سوق دهد و این امر از زمان نوح علیه السلام به همت رسولان الهی که پی در پی آمدند دنبال شد، هرچند آنها بر شرایع مختلف بودند؛ اما بر اساس یک منهج واحد و یک هدف بزرگ اقدام کردند و آن خارج کردن مردم از عبادت بندگان به عبادت خداوند و باطل کردن الوهیت غیرخدایی بوده است.^۱

در پی تحقق این آرمان، قطب مسلمانان را دعوت می‌کرد که همیشه مایه وحشت در دل دشمنان باشند و چنان در جهاد و پیکار آماده باشند که هر که خواست آزادانه به آیین اسلام درآید، هیچ کسی مانع او نباشد. هرچند قطب، حقیقت حمایت را، حمایت از عقیده و جامعه‌ای بابرنامه می‌داند، اما با این وصف، آن را هدف نهایی ندانسته که ناگزیر به جهاد اسلامی منجر شود؛ بلکه هدف از آن، برپایی حکومت خداوند در جامعه و گسترش آن در زمین و در بر گرفتن همه انسان‌هاست.^۲

سید قطب عقیده دارد که اسلام پیروان خود را به مبارزه و جنگ تشویق می‌کند و کسانی را که تن به ذلت می‌دهند مستوجب عذاب دردناک می‌داند و آنهایی را که در برابر حکومت ظالم سکوت کرده‌اند، بیم می‌دهد. وی کسانی را که با ستم‌گری‌ها و بیدادگری‌ها نمی‌جنگند و از حقوق مظلومان جهان دفاع نمی‌کنند، به سه دسته تقسیم می‌کند: اشتباه‌کنندگان، منافقان و جاهلانی که از اسلام چیزی نمی‌فهمند. سپس می‌نویسد:

اسلام واقعی نهضت آزادی‌بخشی است که نخست دل افراد و سپس اجتماعات بشری را از قید و بند زورمندان آزاد می‌سازد و اگر ظلم و ستم در جایی برقرار است و کسی به فریاد مظلومین نمی‌رسد، باید در وجود داشتن اسلام در آن محیط شک کرد؛ زیرا، از دو حال خارج نیست یا اسلام هست و یا نیست، اگر هست که اسلام مبارزه و جهاد پی‌گیر و دامن‌دار و سپس شهادت در راه خدا، و راه حق و عدالت و مساوات است و

۱. همو، المستقبل لهذا الدین، ص ۱۲.

۲. همو، معالم فی الطريق، ص ۴۶.

اگر نیست نشانه آن است که همه به ورد و ذکر مشغول اند. اسلام یک عقیده و طرز فکر انقلابی است؛ انقلاب در تمام شئون زندگی.^۱

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا به نظر سید قطب، اساساً تفاوتی میان جنگ‌ها و پیکارهایی که در ملت‌های مختلف رخ می‌دهد وجود دارد؟ و آیا هر گونه جهاد و جنگی مورد تأیید است؟ وی در پاسخ به این پرسش، جهاد را در راه خدا و فقط برای رضای او می‌داند و جنگ‌های طولانی را که صرفاً به منظور اهداف غیرالهی به وقوع می‌پیوندد، محکوم می‌کند. او با اشاره به آیه قرآن کریم که خداوند می‌فرماید «تجاوز و تعدی نکنید؛ زیرا خداوند تجاوزگران را دوست ندارد»،^۲ هر گونه پیکاری را که در راه به دست آوردن غنیمت‌ها، دارایی‌ها و ثروت‌اندوزی‌ها صورت گیرد، نمی‌پسندد و پیکارهایی را که به منظور سیادت طبقه‌ای بر طبقه دیگر یا نژادی بر نژاد دیگر شکل می‌گیرد مردود می‌داند. وی جنگ را صرفاً برای اعتلای فرمان خداوند بر زمین و استقرار قانون خدا در زندگی و حفظ و حراست از مؤمنان می‌داند تا قدرتی آنان را از دینشان باز نگرداند.^۳

سید قطب ذیل تفسیر آیات ۳۹ و ۴۰ سوره انفال، هدف نهایی از جهاد را این چنین برمی‌شمرد: استقرار الوهیت خداوند یگانه و ربوبیت او بر همه جهانیان، با شورش و جنبش همگانی بر ضد حاکمیت بشر در هر شکلی از اشکال و در همه نظام‌ها و سیستم‌ها و در همه اوضاع و احوالی که هست، نبرد و سرکشی کامل بر هر حال و وضعی که در اقطار و اکناف زمین است، و فرمانروایی در آنجا در دست انسان است، در هر شکلی از اشکال که وجود دارد.^۴

قطب معتقد بود برای پیاده کردن این هدف بزرگ باید دو کار بنیادین صورت پذیرد: اول؛ دفع آزار و اذیت از افرادی که آیین اسلام را می‌پذیرند، و آزادی خود را از حاکمیت انسان‌ها اعلان می‌دارند، و فقط به بندگی خداوند یگانه می‌پردازند، و از بندگی

۱. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۲۴.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۰.

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۲۱.

بندگان به هر شکل و صورتی که هست، دست برمی دارند. از این رو باید از برگرداندن آنها از آیینشان جلوگیری کرد، و این کار به انجام نمی رسد مگر با بودن دسته و گروهی از مؤمنان تحت رهبری مؤمن، که در ازای اعلان همگانی به هر گونه حرکت و جنبشی آماده باشند، و این اعلان را در جهان واقعیت اجرا کنند، و با طاغوتیانی که با آزار و اذیت در صدد برگرداندن پیروان این آیین هستند و راه تجاوز و تحدی در پیش گرفته اند مبارزه کنند. همچنین، از همه دستگاه های رسانه ای و اطلاعاتی و خبرگزاری ها که مانع گرایش به این آیین می شوند، جلوگیری کنند.

دوم؛ درهم شکستن هر نیرویی در زمین که بر پایه بندگی انسان ها برای انسان ها استوار است. این کار برای تضمین هدف اول، و برای اعلان الوهیت خداوند یگانه سبحان در سراسر زمین است، به گونه ای که در جهان جز در برابر سلطه و قدرت خدا خضوع و کرنشی نشود.^۱ از نظر سید قطب، منحصر نبودن حکومت در دست اشخاص معین، باید نظام الهی را رقم بزند و دارای ویژگی های خاصی باشد. وی در این باره می نویسد:

ما نظامی فراگیر می خواهیم که در آن حاکمیت فقط از آن خداست، نه برای فردی از بشر و طبقه و جماعتی معین. در چنین حکومتی، حاکم، حقوقی فزون تر بر حقوق فرد عادی مردم نخواهد داشت و شخصیت یا شخصیت های مقدسی بالاتر از سطح قانون نخواهد بود. محکمه های ویژه ای برای مردم و محکمه های ویژه ای برای وزیران یا غیروزیران وجود نخواهد داشت. در چنین نظامی، حاکم کل با هر کدام از افراد مردم در برابر دستگاه قضایی بدون تبعیض و برتری خواهد ایستاد. ما به نظامی فرا می خوانیم که همه شهروندان را از حق عمومی و ثروت های عمومی برخوردار کند؛ زیرا مالک اصلی این ثروت جماعت است که به جانشینی خدا مالک آن شده است.^۲

آنچه از سخنان سید قطب برای نگارندگان مقاله قابل فهم است این است که در اسلام عقیده، شالوده دین را تشکیل می دهد و عقیده، یعنی باور به اینکه باید ربوبیت

۱. همان، ج ۳، ص ۳۲۱.

۲. سید قطب، دراسات الاسلامیه، ص ۸۰.

خداوند سرتاسر عالم را فرا بگیرد و هیچ بنده‌ای نباید تحت سلطه بنده‌ای دیگر باشد. این هدف محقق نمی‌شود مگر در سایه حکومت الهی، که در آن بندگان خدا، آزادانه به پذیرش دین اسلام مبادرت کنند؛ اما از آنجایی که جامعه جاهلی با اصل این عقیده مخالف است و در صدد امحای آن برمی‌آید، خداوند جهاد را وسیله‌ای برای حمایت از آن مقرر کرده است. مسلمانان، در هر کجای جهان، وظیفه دارند برای اعتلای این عقیده، که لاجرم به تشکیل حکومت الله در زمین منجر می‌شود، از هیچ کوششی دریغ نکنند.

روش‌های جهاد از دیدگاه سید قطب

سید قطب، بر اساس منهج پویایی که در دین اسلام وجود دارد، برای جهاد چهار روش اصلی برمی‌شمرد:

الف. مبارزه با جاهلیت اعتقادی به منظور از بین بردن حاکمیت موجود و سازمان‌های مبتنی بر جاهلیت اعتقادی.

ب. جهاد دفاعی مبتنی بر دریافت جزیه از طاغوتیانی که به عقاید اسلامی روی نمی‌آورند.

ج. پرستش خالصانه خداوند و عدم سازش و نرمی در این پرستش خالص

د. حفظ اسلام به عنوان اصل جهانی و مبارزه با مخالفان این اصل جهانی و کشتن آنها.

وی در روش اول به همان واقعیت جدی که در منهج دین وجود دارد اشاره می‌کند؛ جنبشی که بشریت با آن روبه‌رو است نوعی درگیری و پیکار با جاهلیت اعتقادی است که بر اساس آن جاهلیت، سازمان‌های کاربردی و واقعی برپا می‌شوند و حکومت‌هایی که قدرت مادی دارند به آن تکیه می‌کنند؛ در این حالت، جنبش اسلامی با دعوت و بیان صحیح اعتقادات با آن مواجه می‌شود، یا با به کار بردن قدرت و جهاد برای از بین بردن سازمان‌ها و حاکمیت موجود، اقدام می‌کند. با توسل به جهاد است که سلاطین حاکم،

خاضع و کوچک می‌شوند. این حرکت به تبلیغ در مقابل سلطان مادی نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد انسان‌ها را از عبودیت بندگان به عبودیت خدای یگانه سوق دهد.

سید قطب در روش دوم به جنبشی که دربردارنده چند مرحله است، اشاره کرده، تأکید می‌کند که بنا به مقتضیات، هر یک از این مراحل لوازم و ادوات پیکار را در بر می‌گیرد و هر مرحله به مرحله بعد از خود وابسته است. در این میان کسانی هستند که با تکیه به نصوص قرآنی به جهاد به عنوان منهج دین استشهد می‌کنند؛ اما این روش را نمی‌پسندند و طبیعت مراحل در این منهج و نیز روابط بین متون مختلف را درک نمی‌کنند؛ آنها کسانی هستند که امور را با هم خلط می‌کنند و به منهج دین لباس گمراهی می‌پوشانند و آیات قرآنی را به میل خود تفسیر می‌کنند؛ آنها شکست‌خورده‌های روحی و عقلی هستند که خیال می‌کنند از اسلام چیزی جز عنوان، نمانده است؛ لذا معتقدند جهاد در اسلام دفاعی است و گمان می‌کنند از دین دفاع کرده، طاغوتیان را از بستر زمین برمی‌چینند. در این رهگذر، آنها بر گردن نهادن دیگران به عقیده اسلام اصرار ندارند؛ بلکه، با دریافت جزیه، دیگران را در گزینش عقیده آزاد می‌گذارند.

در روش سوم، وی به فعالیت‌های روزمره‌ای که دین را از قواعد و اهداف مشخص شده خارج نمی‌کند، اشاره کرده، معتقد است از روز اول عشیره و اقربین، قریش، تمام عرب و جهانیان به یک روش واحد مورد خطاب هستند که در پرستش خداوند خالص باشند و در این قاعده سازش و نرمی نکنند؛ سپس بعد از آن به هدف واحد در مسیر خود سیر کنند.

سرانجام، در روش چهارم، به حفظ قانونمند روابط بین جامعه مسلمانان و سایر جوامع پرداخته، می‌نویسد:

اصل جهانی بودن اسلام، پذیرش همگانی و لزوم مراجعه تمام انسان‌ها به آن باید حفظ شود. هیچ نظام سیاسی یا قدرت مادی حق ندارد در این پذیرش، مانعی ایجاد کند و باید فرد را مخیر سازد که یا اسلام را بپذیرد و یا با اراده کامل آن را رد کند؛ اما هیچ‌کس

حق مقاومت و جنگ با او را ندارد و اگر کسی چنین کند حق اسلام است که با او بجنگد و حتی او را بکشد تا اینکه اعلام کند که اسلام را پذیرفته است.^۱

سید قطب معتقد است شکست خوردگان روحی و عقلی میان اصرار دین در هر گونه اجبار در عقیده و عوامل سیاسی و مادی که بین انسان و دین حائل می شود و انسان را به عبادت انسان و او می دارد خلط می کنند. در حالی که هیچ ارتباطی میان این دو، وجود ندارد. وی در ادامه بر این موضوع پافشاری می کند که آنها به دلیل همین اختلاط و قبل از آن به دلیل همین شکست، تلاش دارند جهاد در اسلام را محدود کنند، که امروزه از آن با عنوان جهاد دفاعی یاد می کنند. از نظر سید قطب، جهاد در اسلام مقوله دیگری است که هیچ ارتباطی با جنگ های امروزی مردم ندارد. انگیزه های جهاد در اسلام به طبیعت اسلام و ذات او و نیز به نقش آن در زمین و اهداف عالی که خداوند مقرر کرده، برمی گردد؛ و خداوند به دلیل آن رسولان را ارسال فرموده و خاتم النبیین را خاتم رسولان معرفی کرده است.

وی در ادامه می افزاید:

دین، اعلان عمومی برای آزادی انسان از بندگی انسان هاست و حتی تبعیت از هوای نفس نیز همان بندگی انسان محسوب می شود؛ لذا، فقط باید الوهیت خداوند یگانه و ربوبیت او بر جهانیان تحقق یابد و معنای این ربوبیت انقلابی است که حاکمیت بشر در هر شکل از اشکال موجود را از بین ببرد و مانع آن شود که انسان ها ارباب انسان های دیگر شوند. این اعلان، همان به چنگ آوردن حکومت غاصب و واگذاری آن به خداوند و طرد کردن غاصبانی است که بر مردم بر اساس قوانین پیش ساخته خود، حکومت کنند.^۲

قطب با بهره گیری از آیات قرآن ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ﴾^۳ ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾^۴ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا نَتَّخِذَ

۱. همو، معالم فی الطريق، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. سوره زخرف (۴۳)، آیه ۸۴.

۴. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۴۰.

بَعْضُنَا بَعْضًا أَزَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ^۱ در صدد اثبات حکومت خداوند در زمین، به جای حکومت انسان‌هاست، و می‌نویسد:

مملکت خداوند در زمین با عهده‌دار شدن حاکمیت مردان خدا تحقق می‌پذیرد نه مردانی که به اسم خداوند سخن می‌گویند؛ همان‌گونه که امروزه (حکومت‌هایی به اشتباه) به اسم دموکراتیک، یا حکومت مقدس الهی شناخته می‌شوند؛ بلکه، باید شریعت خداوند حاکم شود. برای تحقق حکومت خدا در زمین و کوتاه کردن دست غاصبان و سروری بخشیدن به شریعت الهی و لغو قوانین بشری، فقط بیان و تبلیغ کارساز نیست و با اعلان نظری، فلسفی و سلبی کاری پیش نمی‌رود؛ بلکه، باید حرکت واقعی و ایجابی صورت بگیرد و در عمل، مردم از بندگی انسان‌ها آزاد شوند.^۲

ابزار جهاد

اساساً از نظر سید قطب، مسلمانان باید با چه ابزاری به جهاد اقدام کنند؟ قطب در لابه‌لای نوشته‌های خود به برخی موارد اشاره کرده، از جمله: تبلیغ، کتاب، شمشیر، شعار و فداکاری؛ اما آیا وی در میان ابزارهای گوناگون، به ابزار خاصی از جهاد عنایت داشته است؟

سید قطب، مفهوم جهاد را بالاتر از جنگ دفاعی، که افراد شکست‌خورده و مأیوس به آن عنایت دارند، دانسته است.^۳ وی جدیت نصوص قرآنی وارده در باب جهاد و جدیت احادیث نبوی و نیز جدیت جنگ‌های پیش‌آمده در صدر اسلام و در طول تاریخ را گواهی بر ابطال عقاید کسانی می‌داند که جهاد را تفسیر به رأی کرده، آن را در مقابل فشارهای موجود و حمله‌های مستشرقان مکار، دفاعی می‌دانند.^۴ قطب مدافعان دفاعی بودن جهاد را غرب‌زده می‌داند و معتقد است آنها قصد دارند ماهیت اسلام را تغییر دهند؛ زیرا،

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

۲. سید قطب، معالم فی الطريق، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ۴۱.

هدف اسلام از جهاد، تغییر و آزادی بشریت است،^۱ در حالی که جنگ دفاعی این هدف را برنمی‌تابد. به نظر قطب، آنها کسانی هستند که هدف اسلام را فراموش کرده‌اند و ارزش اسلام را کم دانسته‌اند.

وی جهاد را محدود به حرف نمی‌داند؛ افرادی که جهاد را مبتنی بر حرف و موعظه می‌دانند کسانی هستند که به بیراهه رفته‌اند. وی ابزار جهاد را سخن و موعظه نمی‌داند. لذا می‌گوید:

برقراری حکومت خداوند بر روی زمین و محو حکومت بشری، گرفتن قدرت از دست بندگان غاصب و برگرداندن آن به خداوند، اقتدار بر اساس حکومت الهی، و از بین بردن قوانین ساخته بشر فقط از طریق موعظه و حرف صورت نخواهد گرفت. آنهایی که قدرت خدایی را در زمین غصب کرده‌اند و بندگان خدا را به ستایش‌کننده خود تبدیل کرده‌اند، فقط از طریق حرف و سخن از کار برکنار خواهند شد؛ زیرا، در غیر این صورت وظیفه پیامبران بسیار آسان‌تر انجام می‌گرفت.^۲

سید قطب با کنار گذاشتن اصطلاحات جنبش و حرف، به طور ضمنی به تبلیغ اسلام از طریق شمشیر و کتاب، که هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند، اشاره می‌کند. وی با اشاره به کاربرد هر یک از این دو ابزار، شمشیر را برای مطیع ساختن و مقهور کردن سرزمین‌هایی به کار می‌برد که تحت حکومت غیرمسلمان‌ها قرار دارد و با آن مشرکان را و می‌دارد تا به اسلام بگروند، یا با مرگ روبه‌رو شوند.^۳ وی به عنوان مغز متفکر اخوان المسلمین، که در مقابل جنبش‌های ضداستعماری فعالیت می‌کرد، ضمن قدردانی از آنها، اذعان می‌داشت که خداوند اخوان المسلمین را زنده بدارد که مصر را زنده کرد و مفهوم جهاد را، که از نظر مردم فقط شعار دادن و کف زدن بود، تغییر داد و مفهوم اصلی آن را، که کار و فداکاری است، به آن باز گردانید و چگونگی نبرد را، که منحصر به تبلیغات بود، به قربانی شدن و

۱. همو، اسلام و صلح جهانی، ص ۲۱۸.

۲. همو، معالم فی الطريق، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۳۸.

شهادت در راه خدا تبدیل کرد.^۱ وی کسانی را که مشغول ورد و ذکر هستند بیرون از جامعه اسلامی دانسته، می‌گوید:

اگر (اسلام) نیست، نشانه آن است که همه به ورد و ذکر مشغول‌اند، می‌خواهند که از آسمان خیر و برکت و آزادی و عدالت بیارد؛ اما هرگز دعای آنها مستجاب نخواهد شد و هرگز خداوند در وضع قومی دگرگونی ایجاد نمی‌کند، مادامی که خود وضع خود را تغییر ندهند.^۲

تأثیر اندیشه‌های جهادی سید قطب

بالتبع اندیشه‌های جهادی سید قطب و پیش از او ابوالاعلی مودودی تأثیر شگرفی بر جنبش‌های سیاسی و جهادی داشته است. نقش و نفوذ سید قطب بر مبارزان جدید، نمایان است؛ زیرا، وی به عنوان یک نظریه‌پرداز، بر نوزایی و جهت‌دهی ایدئولوژی اسلامی تأثیر گذاشت. همچنین، به عنوان عضو برجسته اخوان المسلمین، ارتباط تداوم سازمانی میان اخوان و شاخه‌های آن را فراهم کرد. از سوی دیگر، سرپیچی‌های او، به عنوان یک عنصر فعال، از دولت و سرانجام مرگ او باعث شد مبارزان جوان‌تر شیوه شهادت را از او بیاموزند.^۳ تأثیرپذیری از اندیشه‌های سید، و تحول بخشی وی در اخوان المسلمین، گروه‌های نظامی اسلام‌گرا را به وجود آورد که هدفی جز قیام علیه حاکمان ظالم نداشتند. از گروه‌های جهادی، گروه جهاد اسلامی مصر را می‌توان نام برد که انور سادات را در ۱۹۸۱ ترور کرد؛ زیرا، ملاک‌هایی که قطب برای شناخت جامعه جاهلی طرح کرده بود حکومت سادات را نمونه کاملی از جامعه جاهلی معرفی می‌کرد؛ بنابراین، اعتقاد به عملی کردن واژه «جهاد» و تجویز هر گونه خشونت برای دستیابی به اهداف از نظر آنها دور نماند. عبدالسلام فرج، رهبر این گروه، با ذکر این پرسش که «آیا در سرزمین اسلامی زندگی می‌کنیم؟» می‌گفت جهاد در راه خدا فریضه‌ای است که علمای

۱. همو، ما چه می‌گوییم، ص ۱۰۷.

۲. همو، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۲۵.

۳. هرایر دکمچیان، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۶۵.

مصر آن را به فراموشی سپرده‌اند. او تنها راه بازگشت به اسلام و احیای آن را جهاد می‌دانست و معتقد بود با اینکه خدا بهترین راه را برای مسلمانان نهاده است، اما مسلمانان هر کدام راه خودشان را در پیش می‌گیرند، در حالی که تنها راه، استفاده از شمشیر است.^۱

از نظر او، جهاد دائمی علیه یک حکومت کافر، عالی‌ترین و تنها راه تمام مسلمانان راستینی است که آرزوی نابودی جامعه جاهلی و احیای اسلام را دارند و مبارزه مسلحانه تنها شکل قابل قبول جهاد است. وی جهاد با توسل به راه‌های مسالمت‌آمیز چون شعار دادن، تشکیل احزاب اسلامی یا هجرت را نشانه ترس و حماقت می‌دانست و به پیروزی فقط از راه اسلحه اعتقاد داشت. وی بی‌سوادی را بهانه خوبی برای گریز از جهاد نمی‌دانست و معتقد بود هر مسلمانی می‌تواند بدون تلاش یا تحصیل زیاد، درباره جهاد مطالعه کند. او عامل عمده تحقیر و انحطاط، خواری و تفرقه و موقعیت اسفبار مسلمانان را خوداری آنها از جهاد می‌دانست.^۲

از دیگر گروه‌های جهادی متأثر از سید قطب، سازمان القاعده است. در ۱۹۷۹، شوروی وارد کشور مسلمان افغانستان شد. افغان‌ها به رهبری افرادی همچون عبدالرسول سیاف، گلبدین حکمت‌یار، برهان‌الدین ربانی و احمدشاه مسعود به جهاد علیه شوروی پرداختند؛ اما این شروع آهسته جهاد، به محض منطبق شدن منافع مجاهدین افغان با آمریکا و کشورهایی چون عربستان و قطر و کویت در آزادی کشورشان از شوروی، سرعت بیشتری گرفت.^۳ این مسئله زمینه‌ای برای تشکیل سازمان القاعده شد.

عبدالله عزام، از متأثران سید قطب و یکی از عالمان و سخنرانان توانمند، در خصوص تأثیرپذیری خود از سید قطب گفته است: «من در فکر از سید قطب، در فقه از نووی، در عقاید از ابن تیمیه و در روح از ابن قیم تأثیر پذیرفته‌ام».^۴ وی ضمن اینکه مسلمانان را به

۱. عبدالسلام فرج، الفریضه الغائبه، ص ۱۶.

۲. هرابر دکمچیان، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۸۱.

۳. کمیل طویل، القاعده و خواهرانش، ص ۳۴.

۴. علی عبدالرحیم، حلف الارهاب تنظیم القاعده، ص ۱، ۲۲.

جهاد تشویق می‌کرد، در ۱۹۸۴ به انتشار مجله جهاد و نوشتن کتاب‌هایی به نام دفاع از سرزمین‌های اسلامی اقدام کرد و با اصرار به اینکه جهاد وظیفه هر فرد مسلمان است، مسلمانان جهان را، به جهاد در افغانستان فرا خواند. عبدالله عزّام با کمک اسامه بن لادن در اوایل دهه هشتاد، مکتبه الخدمه را تأسیس کرد. نقش دوم اسامه زمانی شکل گرفت که از عبدالله عزّام فاصله گرفت و در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ در نزدیک پادگان شوروی در شرق افغانستان پایگاهی به نام المأسده برای خود تأسیس کرد.^۱ در پی پیروزی‌های وی در ۱۹۸۷، مطبوعات به وی لقب «مبارز پارسا» دادند. از این‌رو القاعده به طور مشخص در ۱۹۸۸ تأسیس شد که هدفش براندازی نظام‌های کمونیستی و عربی و نیز تأسیس خلافت اسلامی بود.^۲ افرادی چون ابو ایوب عراقی، ابوالفرج یمنی، ایمن الظواهری، دکتر فضل مصری، ابو برهان الکبیر، ابوالحفص مصری، ابو مصعب مصری و عزالدین نقش مؤثری در تأسیس القاعده داشتند.^۳

در پاسخ به این پرسش که آیا القاعده از افکار سید قطب متأثر بوده است، باید به نقش مجاهدین عرب و رهبران القاعده اشاره کنیم. مجاهدین عرب غالباً از گروه‌هایی بودند که این گروه‌ها از سازمان اخوان المسلمین متأثر بودند و پس از شکست خوردن طرح‌ها و برنامه‌هایشان به افغانستان مهاجرت می‌کردند.^۴ شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در دهه ۸۰ پس از ترور انور سادات در کشور مصر، دیگر جایی برای فعالیت مجاهدین در مصر نبود؛ لذا می‌بینیم افراد مهمی چون سید امام و ایمن الظواهری و مهندس محمد، برادر ایمن الظواهری، از جمله کسانی بودند که به افغانستان مهاجرت کردند.^۵

پس از مهاجرت جوانان عرب به افغانستان، گروه‌های فعال دیگری چون اخوان المسلمین مصر و الجهاد کوشیدند افکارشان را میان افغان‌های عرب منتشر کنند.

۱. پینتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص ۹۶.

۲. کمیل طویل، القاعده و خواهرانش، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۶۴.

۴. همان، ص ۸۰.

۵. همان، ص ۶۵.

در رأس این گروه‌ها، گروه‌های الجماعت و الجهاد مصر قرار داشتند که خط مشی خود را از کتاب‌های سید قطب و عبدالسلام فرج گرفته بودند. این دو گروه گروهی به نام جماعة الجهاد تشکیل دادند و کتاب دکتر سید امام شریف را با عنوان العمده فی اعداد العده منتشر کردند که این کتاب به عنوان مرجعی اساسی در بین اردوگاه‌ها، توزیع و تدریس می‌شد.^۱

در خصوص رهبران القاعده نیز باید گفت که رهبران این گروه نیز متأثر از اندیشه‌های سید قطب بودند. بن لادن پس از آشنایی با ایمن الظواهری، تشکیل القاعده را مورد علاقه برادران مصری خود (یعنی گروه الجهاد و ایمن الظواهری) می‌داند.^۲ با بررسی سخنان وی به روشنی نشانه‌های تأثیر افکار سید قطب را می‌توانیم ببینیم. وی با صراحت به کلام سید قطب اشاره می‌کند و می‌گوید: «باید اسلام محمد ﷺ در تمام زمین حاکم شود، نه اینکه در شعائر تعبدی باقی بماند». وی با اشاره به آزادی فلسطین و غلبه بر یهود، پیروزی را از آن اسلام و مسلمان‌ها می‌داند.^۳

نتیجه

سید قطب، با تقسیم جامعه به دو قطب جاهلی و اسلامی، معتقد بود هر جامعه‌ای که در آن اسلام نباشد جامعه جاهلی است و باید کوشید تا حکومت الله در آن تحقق یابد. جهاد یگانه راه رسیدن به حکومت اسلامی است و تا زمانی که دولت‌ها در جاهلیت به سر می‌برند یا از تبلیغ اسلام ممانعت می‌کنند، جهاد ادامه دارد.

بنا بر دیدگاه سید قطب، بر اساس منهج پویایی که در دین اسلام وجود دارد، چهار روش اصلی در جهاد اسلامی وجود دارد که منحط‌ترین نوع آن، جهاد دفاعی محسوب می‌شود، در حالی که اسلام چنین جهادی را نخواست است. از نظر قطب، مفهوم جهاد بالاتر از جنگ دفاعی است. قطب کسانی را که جهاد را دفاعی می‌دانند، غرب زده

۱. همان، القاعده و خواهرانش، ص ۸۰.

۲. پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص ۱۳۲.

۳. اسامه بن لادن، توجیهات المنهجیه، ص ۵.

دانسته، معتقد است آنها می‌کوشند ماهیت اسلام را تغییر دهند؛ زیرا، هدف اسلام، تغییر و آزادی بشریت است و جنگ دفاعی این هدف را تأمین نمی‌کند. از نظر وی، جهاد محدود به حرف و موعظه نیست و افرادی که جهاد را مبتنی بر حرف و موعظه می‌دانند از جمله کسانی هستند که به بیراهه رفته‌اند.

سید قطب به حفظ اسلام به عنوان یک اصل جهانی می‌نگرد و مبارزه با مخالفان این اصل جهانی و کشتن آنها را اصلی‌ترین شیوه‌های جهاد می‌داند و معتقد است در اسلام، عقیده، شالوده دین را تشکیل می‌دهد و عقیده، یعنی باور به اینکه باید ربوبیت خداوند سرتاسر عالم را فرا بگیرد و هیچ بنده‌ای تحت سلطه بنده دیگر نباشد. این هدف فقط در سایه حکومت الهی و نظام اسلامی، که در آن بندگان خدا، آزادانه به پذیرش دین اسلام مبادرت کنند محقق می‌شود. از آنجایی که جامعه جاهلی با اصل این عقیده مخالف است و در صدد امحای آن برمی‌آید، خداوند، جهاد را وسیله‌ای برای حمایت از آن مقرر کرده است و مسلمانان در هر کجای جهان، وظیفه دارند برای اعتلای این عقیده، که لاجرم به تشکیل حکومت الله در زمین منجر می‌شود، از هیچ کوششی دریغ نکنند.

وی برای جهاد، اهدافی را برمی‌شمرد و معتقد است به کمک جهاد، عقاید از فتنه‌ها و آشوب‌ها محفوظ می‌ماند و از شریعت انسان‌ها حمایت می‌شود. اما هدف اصلی جهاد از نظر خود را، استقرار الوهیت خداوند یگانه و ربوبیت او بر همه جهانیان معرفی می‌کند. از نظر وی، هر گونه پیکاری جهاد محسوب نمی‌شود. زیرا جهاد فقط در راه خدا و برای رضای او صورت می‌گیرد و جنگ‌های طولانی که صرفاً به منظور اهداف غیرالهی به وقوع می‌پیوندد، محکوم است.

بازخوانی اندیشه‌های جهادی سید قطب تأثیر شگرفی بر جنبش‌های سیاسی و جهادی داشته است. گروه‌های جهادی رادیکالی، چون الجهاد، التحریر الاسلامی، التکفیر و الهجره و القاعده با الگو گرفتن از قطب، در ظاهر به نیت اجرایی کردن فرامین الله در زمین و تحقق حکومت اسلام در سرزمین کفر، در اجرای پروژه‌هایی همچون ترور، و مخالفت با حاکمان ظلم و کفر نقش‌های بارزی ایفا کرده‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بن لادن، اسامه، *توجيهات المنهجية*، بی‌جا: بی‌تا.
۳. برگر، پیتر ال، *اسامه بن لادن*، ترجمه: عباس قلی غفاری فرد، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰ ش.
۴. دکمچیان، هرایر، *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه: حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۹۰ ش.
۵. سبجانی، جعفر، *فروع ابدیت*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۶. فرج، عبدالسلام، *الفريضة الغائبة*، بی‌جا: بی‌تا.
۷. قطب، سید، *مقابله اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربی*، ترجمه: سید محمد رادمثنش، تهران: انتشارات بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۸. _____، *معالم فی الطريق*، قاهره: انتشارات دار الشروق، ۱۹۷۳ م.
۹. _____، *ما چه می‌گوییم*، ترجمه: هادی خسرو شاهی، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
۱۰. _____، *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی، قم: انتشارات کلبه شروق، ۱۳۴۶ ش.
۱۱. _____، *فی ظلال القرآن*، بی‌جا: انتشارات مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، بی‌تا.
۱۲. _____، *فاجعه تمدن و رسالت اسلام*، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران: انتشارات القبس، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۱۳. _____، *اسلام و صلح جهانی*، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی و زین العابدین قربانی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. _____، *مقومات التصور الاسلامی*، قاهره: انتشارات دار الشروق، ۱۹۹۷ م.
۱۵. _____، *المستقبل لهذا الدین*، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. _____، *دراسات الاسلامیه*، قاهره: مکتبه لجنة الشباب المسلم، ۱۹۵۳ م.
۱۷. _____، *معرکتنا مع اليهود*، بیروت: دار الشرق، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. _____، *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران: بی‌تا، ۱۳۶۷ ش.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. طویل، کمیل، *القاعده و خواهرانش*، تهران: اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱ ش.
۲۱. کوپل، ژیل، *پیامبر و فرعون*، ترجمه: حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶ ش.
۲۲. عبدالرحیم، علی، *حلف الارهاب تنظیم القاعده*، قاهره: مرکز المحروسه، ۲۰۰۳ م.
۲۳. مودودی، ابوالاعلی، *المصطلحات الاربعه فی القرآن*، کویت، ۱۹۷۷ م.
۲۴. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی، بی‌تا.

